

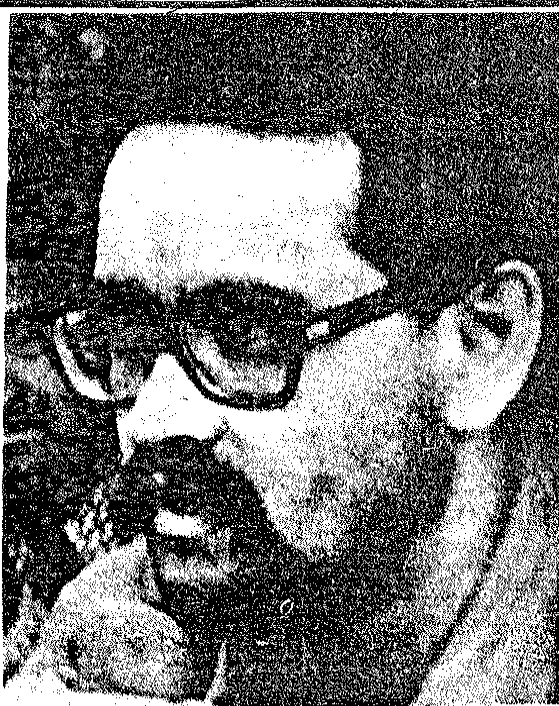
آخرین تحقیقات سازمان پیرامون ترور و حشیانه رفقا

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

این تنها گوشه‌ای از جنایات دژخیمان است. (در صفحه ۲)



فدائی شهید
رفیق طواق محمد واحدی



فدائی شهید
رفیق شیرمحمد درخشنده توماج

از همه هم میهنان و از همه کسانی که
دلشان برای استقلال، آزادی و رهایی
زحمتگشان می‌تپد می‌خواهیم که حقایق
ترور به فاجعه ترور رهبران خلق
ترکمن را به گوش همه مردم به‌ویژه
زحمتگشان برسانند.

مردمی که متحدند
همه قهرمانند
همه فدائی‌اند

فدائیان خلق، توماج، مختوم، جرجانی
و واحدی از پایه‌گذاران و رهبران شوراهای
دهقانی ترکمن صحرا، ستاد مرکزی شوراهای
کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بودند.
زندگی آنها با مبارزه دهقنان علیه
زمینداران و طبقه سرمایه‌دار ایران آنچنان
درآمیخته است که نمی‌توان از آنان به‌تنهایی
سخن گفت. آنها با تمام هستی خویش در راه
ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه
کردند و با اشعار به شهادت رسیدند.
ترور رفقا، در زندان جمهوری اسلامی،
لگدنگینی برداشتن آن است.
ما در این فوق‌العاده ترجیح دادیم از
شوراهای دهقنان سخن گوئیم. چه هرچند
سخن از توماج، مختوم، جرجانی و
واحدی گفته شود، جز سخن دهقنان
ترکمن صحرا، شوراهای آنان و مبارزات
خلق ترکمن علیه امپریالیسم، زمینداران
بزرگ و طبقه سرمایه‌دار ایران نمی‌توان گفت.

ترکمن صحرا از درون و بیرون می‌جوشید. از
دل‌های داغدار دهقنان ترکمن شعله‌های خشم
زیانهمی‌کشد. شعله‌هایی که سرانجام همه
سرمایه‌داران و زمینداران وابسته به امپریالیسم
و همه مزدوران حنایتکار آنها را در میان خود
خواهد سوزاند. برگونه‌های سالخوردگان
ترکمن اشک غم توماج نشسته است. غم شهادت
فدائینی که رهبران خلق ترکمن بودند.
خلق ترکمن هر روز گام نوینی در راه اتحاد و
تشکل خود در شوراهای و در اختیار گرفتند
زمین‌های ترکمن صحرا برداشت. فرزندان
انقلابی خلق ترکمن توماج‌ها، مختوم‌ها، واحدی‌ها
و جرجانی‌ها که هر یک سالها علیه رژیم شاه
مبارزه کرده بودند از قیام تا به امروز لحظه‌ای
نیاسودند. همه چیزشان در عشق و رزیدن به
زحمتگشان خلاص می‌شد و می‌شود. گاهی روزها
از بی‌هم می‌گذشت که رفقا حتی وقت یک ساعت
بقیه در صفحه ۳

آخرین تحقیقات سازمان ما پیرامون ترور فاجعه
و وحشیانه رفقای شهید، شیرمحمد درخشنده، توماج
عبدالحمید مختوم، طواق محمد واحدی و حشیش
جرجانی نشان می‌دهد که نقشه کشتن رفقا،
برافروختن جنگ در گنبد و کشتار مردم بی‌گناه
از تهران و از سپاه پاسداران مرکز هدایت و رهبری
شده است.

مطابق اطلاعاتی که به دست آورده ایم روز
پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه، هیئت ۵ نفری وزارت
کشاورزی مأمور حل مساله زمین و رسیدگی به کار
شوراهای دهقانی به اتفاق هر چهار نفر رفقای شهید
در ساختمان ستاد جلسه مشترک داشتند. جلسه تا
ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه یافت و سپس هر ۹ نفر
با هم از ساختمان خارج می‌شوند. هیئت ۵ نفری با
یک ماشین و رفقا با ماشین دیگری راه می‌افتند.

در این شماره:

فاجعه ترور رفیق بیژن جزنی
و هم‌زمان تکرار شد

در صفحه ۴

کارنامه یک ساله

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

در صفحه ۲

جانان آتش گشودند

و فریاد زنده باد خلق، زنده باد شوراهای

در عطر خون پیچید

در صفحه ۲

گرامی باد خاطره رفقای شهید

در صفحه ۸

در اهتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

این تنها گوشه‌ای از جنایات درخیمان است

ترورنا جوانمردانه رفقا مختوم ، توماج ، جرجانی و واحدی تنها گوشه‌ای از جنایات درخیمانی است که دست خود را به خون انقلابیون خلق آلوده‌اند. دکترشهنازی را در خانماش اسیر کردند و پس از شکنجه‌های وحشیانه با سرنیزه‌های درآوردند و شهید کردند. دکترشهنازی از فداکارترین فرزندان خلق ترکمن بود که زندگی خود را وقف انقلاب ورهائی خلق ساخته بود. ترور نا جوانمردانه شهنازی تکرار ترور نا جوانمردانه رفیق شهید و نداد ایمانی است.

بهر روز آخوندی نوجوان دانش‌آموز ۱۶ ساله را غروب روز دوشنبه ۲۲ بهمن در شهر دستگیر می‌کنند. او را کشان‌کشان با ضربات قنداق تفنگ به شهر می‌آورند و در حضور هزاران نفر از مردم یکی از پاسداران به نام "کیهان ستاره سراب" به پای او شلیک می‌کند و می‌گوید راه برو. او به زمین می‌غلطد. با قنداق تفنگ بر مغزش می‌کوبد و وقتی از جال رفت بایک رگبار ۳ به زندگی معصومانهاش خاتمه می‌دهد.

۳ نفر از اسرای ترکمن را روز جمعه ۳ اسفند در گنبد ترور می‌کنند که هویت آنان هنوز برای ما روشن نیست. آخرین خبرهایی که از منطقه دریافت کرده‌ایم تعداد مفقودشدگان ترکمن را ۳۰ نفر اعلام کرده‌اند. در میان مردم شایع است که تعداد اسرایی که ترور شده‌اند ۲۸ نفر بوده‌اند که همگی بدون محاکمه تیرباران شده‌اند. تحقیقات بیشتر در این زمینه را ادامه خواهیم داد.

مردم ایران بدانند که در جمهوری اسلامی ایران این جنایات فجیع نه تصادفی است و نه بی سابقه. اما جو اختناق که بر مطبوعات حاکم است و سانسور و حشتناکی که رادیو - تلویزیون را در خود فرو برده است، اجازه نداد مردم میهن ما بطور وسیع از این توطئه‌های شوم مطلع شوند. ترور رفیق شهید و نداد ایمانی معلم زحمتکش درمازندران، ترور برادران میرشکاری در کرمان تنها نمونه‌ای از این فجایع است که هر روز تکرار می‌شود. بیژن نوبری راهم می‌خواستند سربسته کنند. مردم به یاد دارند که روز اول آبان ماه روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرده که بیژن نوبری (عضو سازمان - شاخه آذربایجان) را که پاسداران بازداشت کرده بودند، در راه بوکان دمکرات‌ها ربوده‌اند و حال آن که در همان روز عده‌ای از پاسداران او را به تهران آورده و در یکی از خانه‌های امن خود مخفی کرده و زیر شکنجه کشیده بودند. سازمان ما روز ۹ آبان در بیانیهای که برای افشای این توطئه سپاه پاسداران انتشار داد اعلام کرد:

"نظر به اهمیت مساله و عواقبی که سکوت در برابر این جنایت سازمان یافته و احیاء ساواک در سرنوشت مردم میهن ما دارد و وظیفه خود می‌دانند که پیگیرانه این توطئه‌گری‌های سازمان یافته رژیم را افشا کنند."

اکنون با تشبثات خائنان ارتجاعی ترین جناح‌های حکومت و سکوت و تأیید جناح‌های دیگر، جنایتی بس فجیع تر از کشتار رفقا بیژن جزنی و هم‌زمان، توسط فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تکرار شده است. این جنایات که همگی در نخستین سال پیروزی برد سنگاه‌های جهنمی ساواک و رژیم جنایتکار شاه رخ داده‌اند همگی گویای آن است که همان درخیمان با طینتی پست تر و شیوه‌هائسی پلید تر به شکار و کشتار انقلابیون پرداخته‌اند.

جانیان آتش گشودند

و فریاد زنده باد خلق، زنده باد شوراه

در عطر خون پیچید

آ... ی. ، توماج. . . توماج
رفیق خلق، فدائی ترکمن
گل عصیانی زندان‌های شاه، توماج
آ... ی. توماج . . . توماج

* * *
ماه روی جنگل‌های "گلستان"
ماه در سینه رودخانه "گالیکش"
خنجر اخطار حادثه‌های خونین بود.
ماه در آینه‌های موج می‌شکست.

آ... ی. توماج . . . توماج
لاله توفانی دشت‌های خون، توماج

* * *
سایه‌ها در دشت‌های ترکمن صحرامی لرزید
ترکمن مادری

زخم شعله‌ور فرزند دلیر می‌بست
ترکمن پدری

خشب از کمر می‌گرفت
بالب‌هایی آتشگرفته و لیرزان
که شهیدان حادثه خونین را شماره می‌کرد

آ... ی. توماج . . . توماج
ستاره‌ی خونین صحرای ترکمن، توماج

* * *
چکمه‌پوشان‌ها در کانون فرهنگی ترکمن می‌گشتند
پوزه به خون بردگان در ستاد شوراه‌ها می‌گشتند

شک‌های خون بر دیوارهای گنبد می‌درخشید
واو به‌های برهنه از دلاوران کوچنده پیرو
هنوز گلوله‌های پاسداران جنایت و سرمایه

در سینه پرستاره شب می‌نشست
و در کنارهای دور و نزدیک
دلاوران ترکمن را شکار می‌کرد

آ... ی. توماج . . . توماج
فرزند دلیر خلق، توماج

* * *
ماه شکسته بهمن در ابر می‌گشت
ورود خانه جنگلی زمزمه‌ای دیگر گونه داشت.

دریای همه‌گرنام تو را می‌گفت
صیادان ترکمن نام تو را بر لب داشتند
کشتکاران، شبانه نام تو را می‌خواندند

بادهای ترکمن صحرا نام تو را می‌بردند
مادران از خواب پر خون و خوف می‌پریدند
و چشم پدران کنار فانوس‌های درخشید

آ... ی. توماج . . . توماج
رزم‌آور صیادان و کشتگران، توماج

* * *
کنار پنجره آمد
و هراسان در شب آتش و کشتار نگریست
همسرت گیسو پریشان کرد

و در برابر دشت پر شعله و دود ایستاد
در برابر دشت‌های درخشان "شورائی"
در برابر ستاد آتشگرفته "شوراه"

آنجا، مادری در گشود و پیکر به راه افکند
و چشم در چشم چکمه پوشان فریاد زد

مشت بر سینه کوفت و فریاد زد:
"مرگ بر خان، مرگ بر سرمایه‌دار"
"زنده باد شوراه، زنده باد خلق"
و صدای درخشانش در گلوله‌ها خاموش شد
آ... ی. توماج . . . توماج
قهرمان "شوراه" توماج

* * *
شاه، رفیقان را هراسان به گلوله بست
فدائیان و مجاهدان را به گلوله بست
تیپ‌های اوین، تیپ‌های اوین

آنروز ۹ رزمنده فدائی و مجاهد
بر تپه‌های اوین ایستادند
۹ رزمنده خلق در برابر دشمن ایستادند
آتش رگبار جلادان کمانه بست

۹ پرنده سرخ انقلاب به خون نشست
دیروز بر تپه‌های اوین، ۹ جزیره خون
و امروز . . . بردمند جنگلی ترکمن صحرا . . .

آ... ی. توماج . . . توماج
جزیره خون ترکمنی، توماج

* * *
خلق ترکمن فریاد کشید
دشت‌های درونشده فریاد کشیدند
ستاد شوراهای ترکمن صحرا

بادهان سوخته پنجره‌ها، فریاد کشید
رودخانه‌های ترکمن صحرا فریاد کشیدند
آسمان ترکمن صحرا فریاد کشید

آ... ی. توماج . . . توماج
فریاد ترکمن صحرا، توماج

* * *
شبانه، کنار رفیقان ایستادی
در برابر دشت و ستاد و شورا

ستاره‌های ترکمنی در آسمان صحرامی درخشیدند
وماه ترکمنی در آینه رودخانه خنجری خونین بود
جانیان آتش گشودند

و فریاد "زنده باد خلق، زنده باد شوراه"
در عطر خون پیچید

و چون صاعقه‌ای خونین
از "بیورت شیخان" تا "اینچه برون"
واز "گمیش تپه" تا "شیخ‌لر" آتش گرفت

نگاه کن . . . نگاه کن
این دریای پرچم‌های سرخ
که بردست کودکان ترکمن صحرا به گردش در آمده است

خون دلاوران ترکمن صحراست
خون صیادان و کشتگرانست
خون زمین و شورا است

خون آوازه‌خوان رفیقانست
خون آوازه‌خوان توست، توماج
آ... ی.

توماج . . . مختوم . . . واحدی . . . جرجانی . . .
داس خونین دهقانان، فدائیان خلق
تور خونین صیادان، فدائیان خلق

گرامی باد خاطره همه شهدای خلق



میراثی از شهید جرجانی

بقیه از صفحه ۱

مردمی که متحدند همه ...

بیژن جزنی و هم‌زمان هستند ، رفقا بالبخندهای ملایم خود جنایتکاران را تحقیر می‌کنند . رفقا شکنجه می‌شوند اما با اراده‌های استوار بی‌شکسته سرکوبگران و جنایتکاران نشان می‌دهند که تا چه حد به خلق‌های ایران عشق می‌ورزند و تا چه حد به آرمان زحمتکشان وفادارند . رفقا به حماسه شهادت رفیق بیژن و هم‌زمان می‌اندیشند . رفقا به زحمتکشان ترکمن می‌اندیشند ، رفقا به ستادشوراهای دهقانان و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن فکرمی‌کنند . رفقا به فردای پیروزی زحمتکشان می‌اندیشند و به لبخند زبانه و کودکان ترکمن صحرا فکرمی‌کنند . رفقا را به رگبار می‌بندند ، فریاد زنده باد شوراهای دهقانان ترکمن ، زنده باد خلق‌های ایران و زنده باد سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در فضای بیچند و صدای رگبار مسلسل‌ها را در خود غرق می‌کند . رفقا زنده‌اند . رفقا در تک تک دهقانان زحمتکش میهن ، در قلب همه هواداران سازمان و در دل همه کسانی که دلشان برای استقلال ایران و رهایی زحمتکشان می‌تپد زنده‌اند فقط در خیال می‌میرند .

پیکر غرقه به خون شهدای خلق عطر گل‌های بهاری را در فضا می‌پراکند . دردشت‌های ترکمن صحرا لاله‌ها طراوت نازهای یافته‌اند . دردشت‌های ترکمن صحرا که با خون جوانان آبیاری شده است هم‌اکنون هزاران توماج و مختوم روئیده است . هر فرزند ترکمن یک توماج ، یک مختوم ، یک واحدی و یک جرجانی است . مردمی که متحدند . مردمی که به پسا خاسته‌اند ، همه قهرمانند . همه فدائی‌اند . سرکوبگران شاید بتوانند برای چند صبحی در دشت‌های ترکمن صحرا یکه‌تازی کنند ، اما هرگز نمی‌توانند شعله‌های فروزان عشق به آزادی و استقلال و رهایی از چنگ بیدادگری زمینداران و سرمایه‌داران را خاموش سازند . مبارزات خلق ترکمن تاروژی که تنها یک کودک ترکمن در سرزمین ایران زنده است ادامه دارد . مبارزات خلق ترکمن و همه خلق‌های ایران تا پیروزی نهایی که چندان دور نیست با شکوه تمام ادامه دارد

حواب پیدانمی‌کردند . وقتی لبخند رضایت زنان و مردان زحمتکش ترکمن صحرا را می‌دیدند همه خستگی‌ها از تنشان بیرون می‌رفت . رفیق توماج مثل همه رفقا شیفته زحمتکشان و رهایی آنها بود و جان خود را کوچکترین هدیه‌ای می‌دانست که همواره از صمیم قلب حاضر بود به پای دهقانان زحمتکش بریزد و ریخت . رفقا روزهای متوالی وقت نمی‌کردند برای لحظه‌ای به لبخندهای فرزندان شیرخواره خود پاسخ دهند ، آنها در لبخند هر کودک ترکمن صحرا لبخندهای معصومانه فرزندان خود را می‌دیدند آنها فدایی خلق بودند .

زندگی مبارزاتی خلق ترکمن با عظمتی شورانگیز ادامه داشت و مردم دست در دست هم هر روز گام تازه‌ای علیه زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران و پیشبرد مبارزات خلق‌های ایران برمی‌داشتند .

سرانجام در ۱۹ بهمن ، روز سالگرد قیام و سالروز حماسه سیاهکل دشمن هجوم تازه‌ای را علیه زحمتکشان ترکمن صحرا آغاز کرد هجومی نا جوانمردانه و وحشیانه به منظور درهم شکستن اتحاد دهقانان ، سرکوب شوراهای و سرانجام بازپس گرفتن زمین‌ها . تا ترکمن صحرا نمونه‌ای برای همه دهقانان زحمتکش ایران نشود تا نهال رشد و اتحاد کارگران و دهقانان را که در دشت‌های ترکمن صحرا روئیده است از ریشه برکنند .

این هجوم روزهاست آغاز شده است . دهها تن از فرزندان دلاور خلق ترکمن به شهادت رسیده‌اند ارتش و سپاه پاسداران با همکاری مزدوران محلی در مناطق مختلف ترکمن صحرا مستقر شده‌اند و به خانه‌گردی و دستگیری زحمتکشان ترکمن پرداخته‌اند . فدائیان خلق / توماج ، مختوم ، واحدی و جرجانی رهبران خلق ترکمن که پیش از آغاز میتینگ ۱۹ بهمن دزدیده شده بودند همانگونه که انتظار می‌رفت در زندان جمهوری اسلامی به نا جوانمردانه‌ترین شکلی شکنجه و به شهادت رسیده‌اند . با شناختی که از رفقا داریم می‌توانیم روحیه آنها را در هنگام اعدام تصویر کنیم . رفقا به یاد حماسه شهادت رفیق

در آستانه قیام ، شورای دهقانان تاتار علیا تشکیل شد . شورا دارای ۸ نماینده بود .

رفیق شهید جرجانی از همان آغاز نزدیک‌ترین ارتباط را با شوراهای منطقه تاتار علیا داشت شورا ، در نخستین اطلاعیه خود ، خواست اولیه دهقانان را به شرح زیر اعلام می‌کند :

۱- بازپس گرفتن زمین‌های غصب شده اهالی روستا به مساحت ۴۵۰ هکتار

۲- همکاری با روستائیان قورچای ، اوغلی پائین ، اوغلی بالا ، برای پس گرفتن زمین‌های غصب شده روستاهای مزبور به مساحت ۴۰۰ هکتار

۳- مصادره ماشین‌آلات کشاورزی و وسائل مربوط به غاصبان زمین

۴- کشت زمین‌های گرفته شده به شکل تعاونی

۵- جلوگیری از تجاوز به مراتع و مرزبندی آنها و مرمت راه‌ها

۶- حل اختلافات محل و ایجاد ارتباط مستمر با روستاهای هم‌جوار جهت همکاری و هم‌فکری

۷- تشکیل شورای قالیبافان از طریق انتخابات آزاد

۸- ایجاد صندوق تعاونی جهت کمک به افراد نیازمند

۹- ایجاد و گشایش کتابخانه و سالن سخنرانی و دفتر شورای روستائی

۱۰- اقدام به حفراه با همکاری اهالی برای تهیه آب آشامیدنی و تاسیس حمام

پس از فرار غاصبان زمین‌های روستا ، شورا ۸۵۰ هکتار زمین را مصادره می‌کند و توسط اهالی تاتار علیا اوغلی بالا ، اوغلی پائین و قورچای کاشت و برداشت جمعی آن را سازمان می‌دهد .

شورای تاتار علیا ، بعدا به همراه ۷ شورای روستائی دیگر "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" را به وجود می‌آورد که رفیق شهید ، فدائی خلق جرجانی هدایت آن را برعهده داشت . دهقانان ۸ روستای اتحادیه ، رفیق جرجانی را انتخاب کرده بودند . "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" وظایف زیر را تحت رهبری "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" برعهده گرفت :

۱- کاشت و برداشت همه زمین‌ها با نظارت و اداره شوراهای

۲- حفاظت از زمین‌های شوراهای دهقانی

۳- دفاع از حقوق دهقانان

۴- ایجاد صندوق شورا برای دهقانان

۵- تأمین بهداشت ده و واکسیناسیون اهالی

۶- تهیه دارو و امکانات درمانی

۷- ایجاد حمام و لوله‌کشی آب و جاده

۸- تهیه ابزار و ماشین‌آلات لازم برای کاشت و برداشت

۹- ایجاد کتابخانه

۱۰- برگزاری جشن‌های دهقانی ، ملی و مذهبی و فراهم آوردن همه امکانات برای برخورداری احترام به آزادی معنقدات مذهبی و ملی و قومی

۱۱- ایجاد ارتباط با شوراهای دهات مجاور

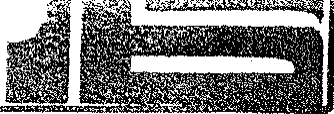
۱۲- تأمین ارتباط با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

اینک رفیق جرجانی به شهادت رسیده است اما شوراهای و "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" پا برجاست . زمین‌داران و حامیان آنان در این اندیشه‌اند که بساط ستمگری را دوباره بگسترانند لیکن این خیال خام و باطل دیگر نمی‌تواند به انجام رسد زیرا دهقانان ترکمن صحرا "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" هوشیار و بی‌ستاد پا برجاست ، زیرا هر دهقان یک جرجانی است ، یک مختوم است ، یک واحدی است و یک توماج است .



سحنگوی سیاه پاسداران این مردم را خون آشام ، مزدور بیگانه و ضدانقلاب نامیده است . به راستی چه کسانی در رأس سیاه پاسداران قرار گرفته‌اند ؟

استقلال - کار - مسکن - آزادی



کارنامه يك ساله

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

آماج تیرهای فراوان شد، توماج

رژیم پهلوی برای در بند نگهداشتن خلق ترکمن تنها به سرنیزه وزندان و شکنجه متکی نبود بلکه برای خاموش کردن فریاد حق طلبانه خلق ترکمن لازم می دید که زبان، فرهنگ و ملیت ترکمن را مورد تهاجم قرار دهد و آن را به ابتدال و فراموشی بکشانند.

رژیم پهلوی می ترسید که زبان، فرهنگ و قومیت عامل وحدت و مبارزه خلق ترکمن شود. به این دلیل زبان، فرهنگ، سنتها و آداب و رسوم قومی خلق ترکمن مورد تهاجم قرار گرفت و آهسته آهسته رنگ باخت.

با اوجگیری مبارزات خلق های سراسرایران، انقلابیون و روشنفکران ترکمن صحرای کسب حقوق ملی و احیای فرهنگ و هنر و آداب و سنن خلق ترکمن فعالیت هایی را آغاز کردند و توانستند نهضت توده های دامنه داری را سازمان دهند.

دراواسط اسفند ۵۷ هزاران نفر در محصل دبیرستان مختومقلی فراغی (سابق) اجتماع کردند و پیرامون زبان، ادبیات و تاریخ خلق ترکمن به بحث پرداختند. اجتماع کنندگان سپس به راهپیمایی پرداختند و با فریادهای (اوخو گرگ، خط گرگ، ترکمنجه مکتب گرگ) (زبان می خواهیم - خط می خواهیم - فرهنگ ترکمنی می خواهیم) از خواست خلق ترکمن دفاع کردند.

در همین روزها بود که در محل کتابخانه ملی و " کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سابق " کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن گشایش یافت.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن با این اعتقاد که تمام خلق های ایران باید خود شیوه زندگی خود را انتخاب و آزادانه با زبان خود، فرهنگ خود، مذهب خود زندگی کنند، در دو زمینه فرهنگی و سیاسی فعالیت خود را آغاز کرد. " کانون " دو وظیفه فرهنگی و سیاسی را در برنامه خود قرار داد که وظایف فرهنگی عبارت بود از:

احیاء ادبیات و زبان اصیل ترکمنی - انتشار نشریه به زبان ترکمنی و فارسی و زنده کردن آثار کلاسیک خلق ترکمن - سواد آموزی و آموزش الفبای ترکمنی به کودکان، نوجوانان و سایر علاقمندان - احیاء و معرفی فرهنگ، هنر و موسیقی اصیل ترکمن - تحقیق درباره فولکلور خلق ترکمن - برپائی برنامه های ادبی، هنری در مناطق ترکمن نشین، مطالعه و بررسی تاریخ خلق ترکمن - برقراری کتابخانه در روستاها و مناطق روستائی، بخشها و شهرهای ترکمن.

وظایف سیاسی کانون عبارت بود از: ارتقاء آگاهی های دمکراتیک و سیاسی خلق ترکمن - تشویق و کمک در امر تشکیل شوراهای در سطوح مختلف منطقه (شوراهای کارگری در کارخانجات و شورای کشاورزی و دامداران) استرداد زمین های غصب شده از طریق شوراهای - تشکیل سندیکاهای (مثل سندیکای قالی بافان) تشکیل کمیته های دانش آموزان و معلمان - تشکیل شوراهای کارمندان.

" کانون " که تقریباً مدت یک سال از بسد و تاسیس آن می گذرد توانست دهها شعبه در شهرها و مراکز بخش ترکمن صحرا دایر کند. (مثل کانون " فرهنگی و سیاسی " در ترکمن قلا (بندر شاه سابق) در آق قلا، کلاله و گرگان) و بدین وسیله ارتباطات خود را با مردم گسترده تر نماید.

در مجموع صدها کتابخانه، در روستاها، بخشها و شهرها از طرف کانون و توسط جوانان پیشگام ترکمن صحرا برپا شد. کتاب های این کتابخانه ها

را خود مردم محل، کانون و جوانان پیشگام اهدا نمودند و هزاران نفر از جوانان و دانش آموزان و کودکان عضو ثابت این کتابخانه ها شدند. این کتابخانه ها که اغلب به نام شهدا نامگذاری شده است بیانگر عشق پاک خلق ترکمن به مبارزات راستین خود و عطش جوانان به دانش و آگاهی سیاسی است.

شعبه های " کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن " در مراکز بخش به فعالیت های چشمگیری در زمینه نمایش فیلم های مناسب برای روستائیان سخنرانی ها، نمایشگاه های عکس از مبارزات مردم شهدای خلق ترکمن و سایر خلق ها و نمایشگاه های کتاب پرداخته است.

از جمله اقدامات ارزنده کانون در زمینه اعتلا و اشاعه فرهنگ خلق ترکمن، انتشار نشریه های به زبان ترکمنی و فارسی به نام " ایل گویجی " (قدرت خلق) است که در آن به بررسی و تحلیل تاریخ ترکمن، دستاوردهای انقلاب پرداخته و ادبیات و شعر ترکمن را نقد و بررسی می کند.

کمیته هنری و فولکلوریک کانون فرهنگی و سیاسی در جهت شناساندن و احیای فرهنگ و آداب خلق ترکمن به فعالیت همه جانبه مشغول است. این کمیته در بررسی و مطالعه زندگی زحمتکشان روستاها، جمع آوری سنن و آداب و رسوم آنان ایجاد زمینه مناسب برای نزدیکی هر چه بیشتر به توده ها، آشنائی با مسائل و درمورد امور عمرانی از جمله مرمت پل ها در روستاها، شن ریزی راه های روستائی، تعمیر ساختمان های مدارس، تخریب بندها، کامیون ها و حمل و نقل محصولات و همکاری در کشت زمین های باز پس گرفته شده از غاصبین و زمینداران بزرگ مانند هژیر، بیجاری پور و... به تشویق و راهنمایی کانون جوانان دست به تشکیل گروه های زدند و امور بالا را در روستا و منطقه خود پیش بردند. از جمله می توان از گروهی به نام " برلشیک " و " حاصلین روستای " عوض حاجی " و صدها مورد دیگر نام برد.

" کانون " توانست برخلاف تمایلات و سنگ اندازی های انجمن های وابسته به زمینداران و فئودال ها که بانام " اسلام " پوششی برای خود ساخته اند، اهداف دمکراتیک خود را پیش برد و در امور سیاسی و صنفی فعالانه شرکت نماید. بطور نمونه می توان دفاع " کانون " را از جانشین کردن انتخابات به جای انتخابات در آموزش و پرورش نام برد.

کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن در قطعنامه های متعددی خواست های خلق ترکمن را به شرح زیر اعلام کرده است.

کانون در راه هدف های خود که دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن و پیگیری خواست های دمکراتیک خلق ترکمن بود و طی یک سال فعالیت شایستگی خود را به ثبوت رسانید، اکنون کانون خانه همه ستمدیدگان ترکمن است. کانون خانه کارگران، دهقانان، دانش آموزان، فرهنگیان کارمندان، پیشه وران، بازاریان و روحانیون مترقی است. در این مدت یک سال همه این اقشار با راهپیمائی ها، اعلامیه ها، قطعنامه ها و پیام های خود بطور مکرر همبستگی خود را با کانون اعلام داشته اند. کانون از کمک های مادی و معنوی مردم برخوردار است. اکنون قلب خلق ترکمن در کانون و قلب کانون در مدارس، کتابخانه ها، شوراهای سندیکاهای و... می تپد. کانون به مبارزه خود ادامه می دهد و اهداف و برنامه های خود را دنبال می کند. چرا که تکیه گاهش خلق رنج دیده و ستمکش ترکمن است.

آری
آماج تیرهای فراوان شدند
رزمندگان خلق
در موسم ترانه و گل چیدن
در روزهای فصل شکفتن
در لحظه ای که جنبش " شوراهای "
می رفت تا حماسه مردم را
پربارتر کند
وقتی سرود سرخ فدائی
با جان جرجانی و مختوم
با هستی مبارک توماج،

با طواق
پیوند عاشقانهای می بندد
بر آسمان آبی گنبد
نامی بزرگ می گذرد، از عشق
نام عزیز " شورا "

* * *
قلب جوان دشت
با سرنوشت روشن و خونینش -
می داند
بی نام عاشقان وطن، این بار
گندم نمی تواند
راه بلند و سرخ شکفتن را -

طی کند
* * *
" تایماز " !
اسطوره شهادت توماج
از مرز باستانی تاریخ در گذشت
بر مادرت، عروس عروسان، برخوان
آواز روسفیدی گندم را

* * *
آری
آماج تیرهای فراوان شد
توماج

* - " تایماز " نام پسر توماج

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

مارا برای اجرای حکم اعدام بردند ، یک خشاب ژ-۳ روی ما خالی کردند

... و رفتند

● من جریان اجرای حکم اعدام خود را در اینجا برایتان تعریف می کنم . این جریان طی جنگ تحمیلی فروردین ۵۸ گنبد برای من پیش آمد .

من عبدالحمید فرزند ارک کاکا مادرم آبی سلطان و دارای یک برادر به نام عبدالستار ۴ ساله در خانوادگی کارگر فصلی بسیار فقیر و بی چیز متولد شدم و پدرم در آن محیط برای امرار معاش قطعه زمینی که بتواند زندگی ما را تامین نماید در دست نداشت و با کارگری در فصل های مختلف ، رانندگی تراکتور و ماشین ، غسالی بخور و نمیر خانواده را تامین می کرد و از دنیا می رفت و تحولات آن بی خبر بود ، خلاصه بزرگ شدم و با مشکلات فراوان کلاس سوم راهنمایی را در مدرسه راهنمایی امیری به پایان رسانیدم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۵ به دبیرستان نظری هدایت قدیم (مختومقلی فراغی جدید) رفتم و تا سال ۱۳۵۸ سوم نظری رشته اقتصاد - اجتماعی را به پایان رسانیدم . البته در حین تحصیل ایمان به نوع دوستی و سنت ها و فرهنگ ملی در من موج می زد تا این که بر حسب وظیفه انسانی خود در جنگ تحمیلی شرکت کردم برای کمک به دوستان جنگ زده چون در آن زمان سلاح های دست دوم و شیشه دوش برادران از خون اجتماعی و خلقی خود دفاع کردم و با قدرت تمام در برابر عوامل مسلح زمینداران و سرمایه داران و دست نشاندهگان آنان ، بی امان مقاومت کردم تا این که سه روز آخرمبارزه ، آتش بساز طرفه هیئت اعزامی دولت بازرگان بر تمام رزمندگان به وسیله بلندگو اعلام شد . ما جرایس از اسلام آتش بساز شروع شد ، چون در آتش بس های مکرر قلبی ، در سنگرمقابل من آنطور که اطلاع داشتیم ، ساواکی ها قرار داشتند که قبلا نیز از جانب آنها آتش بس شکسته شده بود ، با هوشیاری مواظب بودیم تا با از هم به وسیله آن عوامل ، جنگ تجدید نشود . تا این که از ستاد به وسیله تلفن اعلام کردند که ارتشی ها به طرف شما و برای دستگیری و خلع سلاح آن عوامل می آیند و نباید تیراندازی شود . به من و یک نفر دیگر سنگرمقابل اطلاع داده شد که تیراندازی نکنید تا این که ارتشی ها آمدند و سنگرمقابل را با وجود این که رزمی زد و بدل شد خلع سلاح کردند و به طرف سنگرم آمدند و من هم به احترام آتش بس رزمی اعلام کردم . توجه نکردند و با سنگرگیری و فرمانده در جلو ، به یک متری من رسیدند . ساواکی ها از این اقدام ، همگی دست بالا شدند . ساواکی ها از این جریان سوء استفاده کرده از پشت به من حمله کردند و به خاطر این که فکر می کردم ارتشی ها خود ساواکی ها را شناخته و آنها را به اعدام می اندازند ، من تیراندازی نکردم و آنها مرا دستگیر کردند و با خودشان به اتفاق نظامیان به مسجد بردند و در مسجد در مسجد به من آب دادند . نخوردم و از مسجد مرا بیرون آوردند . عده ای که در بیرون مسجد جمع شده بودند مرا سنگ باران کردند . آنها سنگ زیاد تر پرتاب کردند و در حین سنگسار کردن سرفریق هم سنگرم شکست . تا این که پرتاب سنگ متوقف شد و چند جوان به من حمله کردند و چند لگد به ناحیه شکم کوبیدند و با استقامت و حمله من کنار رفتند و در همین اثناء زارتشیان بی تفاوت تماشای کردند تا دست و چشم رفیق مرا بستند و نوبت بستری دست من رسید و من با صدای بلند اعلام کردم نمی گذارم دستها و چشمانم بسته شود با چشم باز مرا بکشید . در این وقت عده ای ارتشی بر روی من ریخته و چشم مرا بستند و من با دست خود نقطه دیدی باز کردم . در اینجا یکی از ساواکی ها اعلام کرد که اینها را برای اعدام به بیابان ببریم . در اینجا ارتشی ها زبان باز کردند و گفتند دستها را تحویل می دهیم تا مبادا لهه سرا بشود . در این میان یکی از غیر ارتشی ها که لر فرمانده را بازی می کرد

اعلام کرد اگر شما ارتشی ها این دو نفر را به دستتان نیاورید ترکمن ها بفرستند ما را نابود می کنیم . نظامیان از ترس جانشان از بردن ما به ستاد صرف نظر کردند و برای اعدام ما ، چند نفر ما را مورم به غیر ارتشی ها دادند . فرمانده آنها با ما شین شخصی خود قصد داشت ما را به میدان شماره یک اعدام ببرد که خبر دادند میدان ۱ و ۳ پر است به میدان ۲ برده شدند و ما را جهت اعدام به میدان ۲ بردند و در یک صحرای خلوت پیاده کردند و گفتند یک دست های بالا ، ده قدم راه برویم و دستور اجرا شد و در پشت ما دو نفر به حالت آماده ایستادند . اول ما مور ارتشی که پشت رفیق من آماده بود ، تیراندازی کردند و من دیدم تیران ناحیه سربه رفیق من اصابت نمود و من نیز فکر کردم که سرم را نشانه گرفته ، شیرجه رفیق روی زمین و تیر به بازوی چپم خورد و چون با تفنگ ژ-۳ تیراندازی می کردند ضربه آن یک دور کامل مراد و خودم چرخاندم و تیر دوم هم از همان ناحیه اصابت کرد و افتادم و در موقع افتادن شعار می دادم که موجب عصیانیت آنها شده بود و این بار از فاصله ۵ متری مرا به رگبار بستند در همان رگبار یک تیر از زیر بغل و ۲ تیر از کمر و ۲ تیر از روی کتف به صورت سطحی



رد شد . البته تیری که به زیر بغل خورد پس از معاینه و معالجه دکترها معلوم گردید . باعث قطع شدن ریه چپ و شکستن استخوان و دنده ها گردیده است و برای اصابت به قلب یک سانتیمتر فاصله داشته است . دوتیری که به کمر خورد باعث پارگی روده باریک شده که منجر به قطع ۱/۲ سانتیمتر روده باریک من گردید . در میدان اعدام پس از اصابت کلیه تیرها متوجه شدند که من زنده هستم . آمدند و ناحیه شکم مرا لگد کوب کردند . به قدری با حرص و غضب می کوبیدند که خسته شدند . دواثر فشار ضربه های پوتین ارتشی رگ های دور نافم پاره شد و ایجاد بادفتق کرد ، که نیاز به عمل جراحی به گفته دکترهای معالجم دارد . پس از لگد چون فکر کردند من مرده ام رفتند . پس از رفتن آنها روحیه ام را باز یافتیم و با همان حال شروع به غلطیدن به طرف جاده کردم در آن اثناء میولانس گروه امداد طالبانی رسیدند آنها مرا با خود به بیمارستان قابوس بردند . لازم به گفتن است که در موقع غلت خوردن تمام تن آغشته به خونم با خاک پوشیده شد و مثل سریشم به بدنم چسبیده بود ولی من با روحیه ای قوی و

خندان به بیمارستان رسیدم . دکترها در مورد عمل روی من تردید داشتند و اظهار می داشتند به علت خونریزی زیاد و از بین رفتن بازوی چپ ، مرگم حتمی است . بالاخره تصمیم به عمل گرفتند ولی کسی نبود که رضایت نامه را بنویسد . چون ورود ترکمن ها به آن بیمارستان ممنوع بود . ناچار خودم یاد م هست که یادست راست خونریزی رضایت نامه نوشتم و امضاء کردم و دکتر کریم غیاثی مرا به اتاق عمل برد و به اتفاق چند نفر دیگر به عمل جراحی مشغول شدند تا زمانی که وسیله عمل را در دست گرفته بودند من به هوش بودم و چون خون ، بسیار از بدنم رفته بود آب میپول خوراکی به من تزریق کردند و یک نفر پرستار دائم مشغول تزریق خون بود تا عمل به خوبی انجام گرفت و از مرگ حتمی من جلوگیری شد و تزریق خون با زهم ادامه داشت و در بیمارستان قابوس جمعا ۴ روز بیهوش بودم تا روز چهارم به هوش آمدم . بالای سرم خبرنگاران ایرانی و خارجی بودند و فیلم برداران ایرانی ضمن مصاحبه ، فیلم برداری نیز می کردند . در همان ایام بستری بودن یک دختر دانش آموز افتخارا از من پرستاری می کرد و من محبت های او را فراموش نمی کنم . دکتر کریم غیاثی لازم دانست که در تهران تحت نظارت ایشان در بیمارستان خصوصی خودش (بیمارستان پاستورنو) بستری شوم . من هیچ موقع خدمات و محبت های این دکتر نوع دوست و با شرف را فراموش نمی کنم و همچنین پرستاران و بهیاران شریعتی که به نحو احسن به من کمک کردند را فراموش نمی کنم . یک نکته لازم به یاد آوری است که در موقع حرکت از گنبد به تهران به وسیله هلی کوپتر ، دکتر از زنده ماندن من قطع امید کرده بود . در شاهرود سابق هلی کوپتر به زمین نشست و من کاملاً به هوش بودم و حال خوب بود . پس از نشستن و سوخت گیری در آنجا کمی کمپوت به من دادند و برای تقویت روحیه من ، پرستارها با من عکس گرفتند و مجدداً چون دیدند حال من کمی بهتر است پرواز کردند و دو ساعت به دو ساعت به من تنفس مصنوعی می دادند تا این که به فرودگاه قلعه مرغی در تهران رسیدیم و از آنجا چون ترافیک مانع سریع رساندن من به بیمارستان بود باید هلی کوپتر دیگر مرا به نزدیکی بیمارستان رساندند و از آنجا به بیمارستان پاستورنو منتقل شدم . مدت دوازده روز در اورژانس بستری بودم و حال کمی بهتر شد و به تقاضای خودم مرا به قسمت فوقانی بیمارستان بردند . در آنجا مشغول مطالعه کتاب ترکمنی مختومقلی فراغی و وقایع گنبد که یکی از دوستانم برایم آورد ، شدم و پس از چهار روز ماندن در تهران به راه افتادم که مایه تعجب دکترها مخصوصاً دکتر خلایقی شد . در حدود بیست روز در آن بیمارستان استراحت نمودم . دکتر نسبت به من بی نهایت لطف داشت . حتی می خواست برای درست کردن دست مصنوعی به هزینه خودش مرا به خارج بفرستد ولی دکتر فیوضات که دست و پای مصنوعی درست می کنند این کار را انجام داد و کلیه هزینه آن را دکتر به خودم داد که شخصاً او پرداخت نمودم . در مورد عمل با دفتق چون دکترها مرا کمی ضعیف می دانستند قرار شد در سال بعد انجام شود و حالاً من کاملاً قوی هستم و تجربیات و بینش سیاسی و علمی برای خدمت به ستم دیدگان دارم و با آن که دستم معیوب و تن و جانم شکسته است با تمام نیروی عشق به خلق ، به مبارزه ادامه می دهم و تا آزادی خلق های تحت ستم به مبارزه پی گیر خود ادامه می دهم و آرام نمی نشینم .

پیروزی مبارکات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

فاجعه ترور رفیق بیژن جزنی و همزمان تکرار شد فدائیان خلق، فرزندان دلاور خلق ترکمن توماج، مختوم، واحدی و جرجانی را در زندان ترور کردند و به شهادت رساندند.

شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی فرزندان دلاور فدائی خلق ترکمن در زندان جمهوری اسلامی پنهانی و ناجوانمردانه به شهادت رسیده اند.

شهادت قهرمانانه رفقا افتخار بزرگی است برای سازمان ما، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، افتخاری که ثابت می کند، فدائیان خلق به عهد و پیمانی که با نثار خون خویش بساط زحمتکشان میهن خود بسته اند، همواره تا پای جان وفادارند.

شهادت قهرمانانه رفقا لکه ننگی است بر دامن رژیم. شهادت رفقا سند جنایت جنایتکاری است که در راس سپاه پاسداران و ارتش قرار گرفته اند.

ترور رفقای دلاوران مختوم، توماج، واحدی و جرجانی در زندان پاسداران انقلاب اسلامی ایران، فحایع رژیم سفاک و ضد بشری شاه جلاد را از نو تکرار کرده است. این ترور درست تکرار همان جنایاتی است که رژیم شاه در اوج اختناق مرتکب می شد. این ترور صحنه شهادت رفقا بیژن جزنی و هشت انقلابی دیگر را تکرار کرده است.

هنگامی که تهرانی جلاد ساواک صحنه ترور جوانمردانه رفیق بیژن جزنی و دیگر شهیدای خلق را در محاکمات خویش توضیح می داد، بسیاری از مردم میهن ما، گریستند. مردم فکر می کردند دیگر شاهد چنین جنایاتی نخواهند بود. اینک یک سال پس از قیام خلق، فدائیان خلق شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی فرزندان دلاور خلق ترکمن در زندان جمهوری اسلامی به همان شیوه وحشیانه به شهادت می رسند. بدون تردید این جنایت هولناک خشم و اعتراض همه نیروهای انقلابی، همه مردم زحمتکش میهن و همه خلق های ستمکش جهان را در پی خواهد داشت.

رفقا که از شایسته ترین و محبوب ترین فرزندان خلق ترکمن بودند ساعت دو بعد از نیمه شب ۱۹ بهمن ماه یعنی چند ساعت قبل از برگزاری مراسم بزرگداشت قیام و حماسه سیاهکل در شهر گنبد توسط سپاه پاسداران بازداشت می شوند.

تعدادی از بازداشت شدگان روزهای درگیری که بعد از آزاد شدند از قول پاسداران نقل کرده اند که از تهران چهار نفر را احضار کرده اند و پاسداران هم آنان را به تهران برده اند و تحویل زندان اوین داده اند.

روز پنجشنبه ۲۵ بهمن ماه مطلع شدیم که رفقا از زندان اوین به مرکز سپاه پاسداران منتقل شده و به شخصی به نام "رفیق دوست" تحویل داده شده اند. در همین روز بنی صدر به یکی از مسئولین سازمان اطمینان می دهد که خلخال

برای محاکمه به گنبد نرفته است و جان هیچ یک از بازداشت شدگان در خطر نیست.

روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه، فرستاده سازمان که از تهران به گنبد اعزام شده بود با خلخال ملاقات می کند و از وی می خواهد که بازداشت شدگان، به ویژه رفقا مختوم، توماج، جرجانی و واحدی آزاد شوند. خلخال در جواب می گوید دستور داده است آنها به تهران اعزام شوند. به علاوه تاکید می کند که هیچ یک از بازداشت شدگان در گنبد محاکمه نخواهند شد.

روز دوشنبه ۲۹ بهمن، مردم پیکرنیبرسانان شده رفقای دلاوران، فرزندان قهرمان خلق ترکمن، شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی که در دزدانه توسط دژخیمان ترور شده بودند، در جاده بین بجنورد و گنبد مشاهده می کنند.

این جنایت فجیع که دژخیمان ساواک را در برابر تاریخ روسفید ساخته است، نشان دهنده کینه توزانه ترین دشمنی ها با خلق های قهرمان میهن و به ویژه خلق مبارز و زحمتکش ترکمن است. این جنایت ثابت می کند که عوامل معینی در جمهوری اسلامی ایران و به ویژه در راس سپاه پاسداران و ارتش برای حفظ منافع پلید خویش و برای احیای همان رژیم سابق از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ نمی کنند.

شمره خون هزاران شهید خلق اکنون در دست کسانی قرار گرفته است که نیمه شب دزدانه راه را بر انقلابیون خلق می بندند و آنان را شکار می کنند. این جلادان انقلابیونی را شکار می کنند که با همه هستی خویش به دفاع از منافع طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش برخاسته و آنان را برای مبارزه علیه سرمایه داران و زمین داران، علیه رژیم جنایتکار شاه و در راس همه آنان علییه امپریالیسم امریکا هدایت کرده اند.

این دژخیمان که انقلابیون خلق را می زدند و در زندان های رژیم به رگبار مسلسل می بندند ابلهانه در این خیالند که جنایاتشان از چشم مردم آگاه و مبارز ما پنهان خواهد ماند. ولی به گواه تاریخ آنان هیچ سرنوشتی جز سرنوشت همان دژخیمان ساواک، امثال تهرانی ها و حسینی ها و اربابان جنایت پیشه شان نخواهند داشت. مردم آگاه و مبارز میهن ما نقشه کسانی را که می خواهند سپاه پاسداران را به همان سپاه جنایتکاران ساواکی تبدیل کنند، نقش بر آب خواهند کرد. اکثریت پاسداران همان جوان های زحمتکشی هستند که در روزهای قیام جلوی گلوله های دژخیمان ساواکی و ارتش سینه سپر کردند و از مرگ نهراسیدند. بیشتر آنها از میان مردمی برخاسته اند که روزهای قیام سلاح برگرفتند و رژیم شاه را به گور سپردند. اکثر پاسداران از طبقات زحمتکش میهن برخاسته اند. آنها با نیت پیشبرد انقلاب سلاح

بردوش گرفته اند و حال آن که، اکنون در درون سپاه پاسداران و به ویژه در راس آن باند های جنایتکاری قرار گرفته اند که فتوای هارام مسلح می کنند و دستور شکار انقلابیونی را می دهند که رهبری مبارزه دهقانان را علیه فتوای هارام و زمینداران بزرگ برعهده داشته اند.

آنان که اکنون این جنایات را علیه انقلاب خونین خلق رهبری می کنند. آنان که می خواهند سپاه پاسداران را به سپاه شکار انقلابیون تبدیل کنند بدانند که خلق ما هرگز اجازه نخواهد داد رژیم سفاک محمد رضا شاهی و شکنجه گاه ها و به اصطلاح " کمیته های ضد خرابکاری " آن دوباره بر او تحمیل شود.

در این میان آقای رئیس جمهور نه تنها در برابر این جنایت هولناک سکوت کرده، بلکه آشکارا با جنایتکاری که دست خود را به خون خلق و فرزندان دلیر آن آلوده اند هم آواز شده و ستاد شوراهای خلق ترکمن را لانه فساد نامیده است.

آقای رئیس جمهور راه کشتار خونین خلق ترکمن را در پیش گرفته است.

آقای رئیس جمهور خود به زبان خویش گفته است که ما خانه به خانه خواهیم کوبید و این تازه ده درصد از قاطعیت ما است.

آقای رئیس جمهور اینک باید به خلق های قهرمان ایران پاسخ دهد که جنایتکاری که فرزندان کبیر خلق ترکمن را از زندان تحویل گرفته و به شهادت رسانده اند از چه کسانی دستور گرفته اند؟ آیا آقای رئیس جمهور از این جنایات هولناک مطلع بوده است؟ آیا آقای رئیس جمهور ترور فدائیان خلق، رفقای قهرمان ما، شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی را نیز به حساب قاطعیت خود می گذارد؟ آیا حاضر است مردم از حقایق پشت پرده این جنایات هولناک مطلع شوند؟

بدون تردید دیری نخواهد پایید که جنایتکاری که در راس ارتش و سپاه پاسداران قرار دارند و همه دشمنان جنایتکار خلق که این جنایات را رهبری می کنند، در پیشگاه خلق های قهرمان ایران به کیفر خواهند رسید و خلق کبیر ما انتقام همه این جنایات را از دشمنان جنایت پیشه خود خواهد گرفت.

پیروزی از آن خلقهاست. برافراشته باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران گرامی باد خاطر همه شهدای خلق مرگ بر امپریالیسم امریکادشمن اصلی خلق های ایران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شنبه ۴ اسفند ۱۳۵۸

نابود باد جبهه سرمایه داران و زمین داران



نگاهی بر

نیم قرن پیکار دهقانان ترکمن صحرا

پیرمردان ده و جوانان تحصیل کرده روستا ، پرشور و فعال همگام

بایکدیگر مبارزه را سازمان می دهند .

ترکمن و کارگران کشاورزی بلوچ وزابلی (به صحنه مبارزه کشیده می شوند . زحمتکشان ترکمن و کارگران بلوچ وزابلی که به علت تبلیغات ضد مردمی رژیم پهلوی و دامن زدن به تعصبات مذهبی و قومی از هم دورنگهداشته شده و نسبت به هم احساس دشمنی می کردند . روز به روز به همدیگر نزدیکتر شده و حتی در پارهای موارد ستاد مرکزی شوراها در شوراهای واحدهای متشکل شدند و در کنار دهقانان ترکمن به تصرف زمینهای مالکین بزرگ پرداختند . تشکیل اتحادیه های روستایی (متشکل از شوراهای روستایی یک منطقه) و بالاخره "اتحادیه سراسری روستاهای ترکمن صحرا" محصول این مرحله از مبارزه در روستاهای ترکمن صحرا است . این اتحادیه بیاتر قدرت توده های وسیع روستایی ساکن در ترکمن صحرا است که توسط "ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا" سازمان یافته است تا زحمتکشان منطقه را برای ساختن یک زندگی خالی از استعمار و آزاد توانا تر و قدرتمندتر سازد .

جنبش روستائیان ترکمن با شعار "باز پس گرفتن زمین های غصبی و زمین های عناصر وابسته به دربار" آغاز شد و به سرعت گسترش یافت . روستائیان ترکمن به انگیزه نیری انقلابی خود زمین های غصبی را باز پس گرفته و با تشکیل شوراهای روستایی عملاً کنترل بر زمین و وسایل دیگر تولید و توزیع محصول را به عهده گرفتند . برای اولین بار روستائیان ترکمن نه به خاطر جمعی مزدور غاصب ، بلکه برای بهبود زندگی خود ، کشت و کاری کردند . علی رغم تمام توطئه های زمینداران غاصب و خون های بسیاری که برای خلق ترکمن بر زمین ریخته شد ، جنبش کماکان به رشد خود ادامه داد و هر روز مناطق جدیدی از ترکمن صحرا را فراگرفت . بار شد مبارزه طبقاتی در سرزمین ترکمن صحرا دهقانان ترکمن پیوسته زمین های غصب شده بیشتری را باز پس می گیرند و برای نابودی زمین داری بزرگ متحد تر و متشکل تر می شوند . آنها به یاد داشتند که برای مشکلات خود همیشه در ده دور هم جمع می شدند . رین سفیدان صحبت می کردند . تمام ده حرف خود را می زد و آنگاه تصمیم گرفته شده راه اجرا می گذاشتند . آنها این سنت را داشتند و از این سنت برای پیشبرد مبارزات خود بهره می گرفتند . ابتدا روستا را جدا از هم دست به کار شدند . پیرمردان ده و جوانان تحصیل کرده روستا پرشور و فعال همگام با یکدیگر مبارزه را سازمان می دهند . جوانان در بحث جلسات که روستائیان تشکیل می دهند شرکت می کنند و هدف های مبارزات دهقانان را توضیح می دهند . در بیشتر دهات نه تنها زمین ها باید صادر می شد بلکه می باید است همگام . راه بیمارستان ، مدرسه ، ماشین الات ، بذر و کود کما بچانه و هزاران امکان دیگر در اختیار دهقانان قرار گیرد . همزمان با رژیم مغزور پهلوی از آنها دریغ کرده است . جنبش مصادره زمین به سرعت در روستاها پیش می رود و انقلابیون ترکمن صحرا با زحمات شبانه روزی خود تلاش می کنند این جنبش را آگاهانه عمیق و وسعت بخشند .

خلق ترکمن که هنوز از جامعه ترور و فظاعت نشدند ، روز چهارشنبه بکرا سفند ۵۸ ستاد توماج محتوم را در سنجان گاندیدند . این تشریحی کرد مردم . ما اطلاعیه کاغذی سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن را در آنجا نقل می کنیم .

خلق مبارز ترکمن به فرزندان قهرمان خود عبدالحکیم محتوم و درخشنده توماج رای میدهند

عوامل اسپریالیسم و یادی سرمایه داری وابسته جنگی خونین را به خلق ترکمن تحمیل کردند . جنگی که تاکنون به قیمت جان دهها هم میهن ما تمام شده اما خلق به پا خاسته ترکمن برای تحقق خواسته های اساسی خود و در راه همه برای به دست آوردن زمین و صلح با تمام نیرو و در تمام جنبه ها به پیکار بی امان خویش ادامه خواهد داد . دستگاه خاکمه و زمین داران بزرگ که از مدت ها پیش در فکر برافروختن جنگ در ترکمن صحرا و برچیدن شوراهای دهقانی بودند و در ساعت ۲ با مداد روز ۱۰ بهمن چند ساعت قبل از وقوع درگیری عبدالحکیم محتوم و درخشنده توماج ، جرجانی و واحدی را که همگی از فرزندان خلق ترکمن و از شخصیت های مورد اعتماد مردم ترکمن صحرا هستند اسیر می کنند و تا امروز نیز این ۴ نفر در بازداشت گاه های مخفی نگاه داشته شده اند .

ما ضمن اعتراض به این بازداشت و ضمن محکوم کردن همه دسیسه هایی که علیه خلق ترکمن و به ویژه دهقانان زحمتکش تدارک دیده شده است اعلام می کنیم که این فرزندان باید فوراً آزاد شده و شاملین بازداشت آنان مورد تعقیب قانونی قرار گیرند .

کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن به پاس سالها مبارزه پرتلاش در راه رهایی ایران از سلطه امپریالیسم و سرمایه داری عبدالحکیم محتوم و درخشنده توماج را برای دفاع از منافع خلق ترکمن و دیگر خلق های زحمتکش میهن صالح ترین افراد تشخیص داده و آنان را از شهرستان گنبد برای نمایندگی مجلس شورای ملی معرفی می نماید . ما از تمام توده های مبارز می خواهد که با پشتیبانی از آنان یک گام دیگر در راه گسترش مبارزه مردم زحمتکش علیه سرمایه داران و زمینداران بزرگ و درهم شکستن توطئه های آنان به پیش بردارند .

کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن چهارشنبه اول اسفند ۱۳۵۸

در اوایل اسفند درده منطقه شورای روستایی برپا شد و در اوایل فروردین ماه ۵۸ در بیش از ۵۰ منطقه شوراهای دهقانی تشکیل شد . سقوط رژیم پهلوی بر سرعت ایجاد شورا افزود . شوراهای دهقانی وسیله ای بود برای احقاق حق دهقانان که از دل مبارزات آنان علیه زمینداران بزرگ بیرون آمده است . ضرورت پیشبرد همین مبارزه بود که ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا را به وجود آورد .

در روز ۲۵ اسفند ستاد مرکزی شوراها ، بر پایه شوراهای دهقانی که در جریان مبارزه دهقانان ساخته شده بود موجودیت خود را اعلام کرد . ستاد مرکزی شوراها ، نظارت بر کار شوراهای دهقانی ، پیشبرد امر مصادره زمین ها و بررسی مسئله ارضی و هدایت و ارتقاء مبارزه دهقانان را به عهده گرفت .

ستاد مرکزی شوراها ، تاکنون از جمله ده گرد هم آیی بزرگ تشکیل داده است . این گرد هم آیی ها که در آن نمایندگان همه شوراهای اتحادیه های دهقانی شرکت داشتند زمینه لازم را برای گسترش همکاری شوراها و انتقال تحریکات توده دهقانان به یکدیگر فراهم می آورد . در این گرد هم آیی ها ، مبرم ترین مسائل ارضی و سیاسی منطقه با دهقانان در میان گذاشته می شد . در ادامه مبارزات و با ارتقاء آگاهی دهقانان ترکمن صحرا مبارزه اهداف پیشرفته تری را در مقابل خود قرار داده هر چه بیشتر لایه های پائین تر اجتماعی در روستاها (دهقانان کم زمین و بی زمین

خون هائی که در طی بیش از ۵۰ سال گوشه و کنسار ترکمن صحرا را گلگون کرده است ، حامل پیام درخواست توده های وسیع خلق ترکمن برای احقاق حقوق از دست رفته آنها در مسأله زمین و مسئله ملی است .

مسئله زمین ریشه خود را در ستمی دارد که نیم قرن پیش رضا خان با به گذار آن بود . همراه با تثبیت حکومت خود ، رضا خان دست به تصرف اراضی وسیع زراعی در گوشه و کنار ایران زد و ترکمن صحرا را نیز ، که دارای یکی از مرغوبترین زمین های زراعی ایران است ، کاملاً به تصرف خود در آورد .

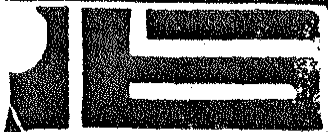
املاک رضا خان از شرق مازندران تا حوالی بجنورد امتداد داشت . زمین های زراعی ، جنگل ها ، و بناها و حتی عرصه شهرهای ترکمن صحرا به تصرف رضا خان درآمد و مقاومت خلق ترکمن در مقابل این عمل غاصبانه با قساوت تمام درهم شکسته شد . توده های وسیع ترکمن به صورت رعیت های رضا خان درآمدند . این وضع تا جنگ دوم جهانی و سقوط دیکتاتوری رضا خان ادامه یافت .

سال های بعد از سرنگونی رضا خان ، که سال های رشد و گسترش جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک و کارگری در سراسر ایران بود رژیم پهلوی دست به عقب نشینی زد و بخشی از زمین های غصب شده توسط رضا خان را ، به ترکمن ها واگذار نمود . البته کماکان بخش اعظم زمین های ترکمن صحرا در اختیار دربار باقی ماندند . زمین های تقسیم شده نیز عمدتاً به خان های ترکمن و عناصر ترکمن مزدوری که با رژیم رضا خان همکاری کرده بودند ، واگذار می شد . بیدگروه های وسیعی از روستائیان ترکمن قطعات کوچک زمین واگذار شد .

با شکست نهضت ملی ایران در جریان کودتای ۲۸ مرداد شرایط جدیدی به وجود آمده بود . از کودتا و بخصوص بعد از اصلاحات ارضی روابط سرمایه داری در ترکمن صحرا به سرعت رشد نمود . رژیم شاه مخلوع بخش های وسیعی از زمین های غصبی دوران رضا خان را به روسای ارتش و کارمندان عالی رتبه ادارات واگذار نمود . بسیاری از کارمندان عالی رتبه دولتی مقیم محل ، کارمندان شهربانی و ژاندارمری و دادگستری به انگار موقعیت خود زمین های بسیاری را غصب نمودند . همچنین سرمایه دارانی که در این دوره به ترکمن صحرا هجوم آوردند ، با حمایت هایی که دولت از آنها می نمود ، توانستند زمین های وسیعی را به تصرف خود در آورند .

در مجموع در انتهای این دوره یعنی قبل از آغاز جنبش انقلابی در سال های ۵۶-۵۷ ، توده های وسیع روستایی ترکمن به مرزهای قطعه زمین های کوچکی رانده شده و وسیع ترین اراضی ترکمن صحرا در تصرف گروهی از سرمایه داران فارسی و وابستگان به دربار و جمع کوچکی از خان ها و عناصر مزدور ترکمن ، که سالها به عنوان عوامل رژیم پهلوی فعالیت می کردند قرار داشت . اگرچه ترکمن صحرا به ظاهر آرام به نظری رسید ولی در بطن این آرامش ظاهری ناشی از سالها سرکوب و اختناق ، موجی از کینه و نفرت نسبت به زمینداران غاصب و دیکتاتور ها شکل گرفته بود که با فراهم آمدن مجموعه شرایط لازم قدرت شکوهمند خود را به نمایش گذاشت . جنبش عمومی و سراسری ایران این شرایط را فراهم نمود . جنبش روستائیان ترکمن صحرا علیه زمینداران غاصب تا قبل از سرنگونی دیکتاتوری شاه ، ابعاد پراکنده ای داشت ، با سقوط رژیم تمام ترکمن صحرا را فراگرفت .

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



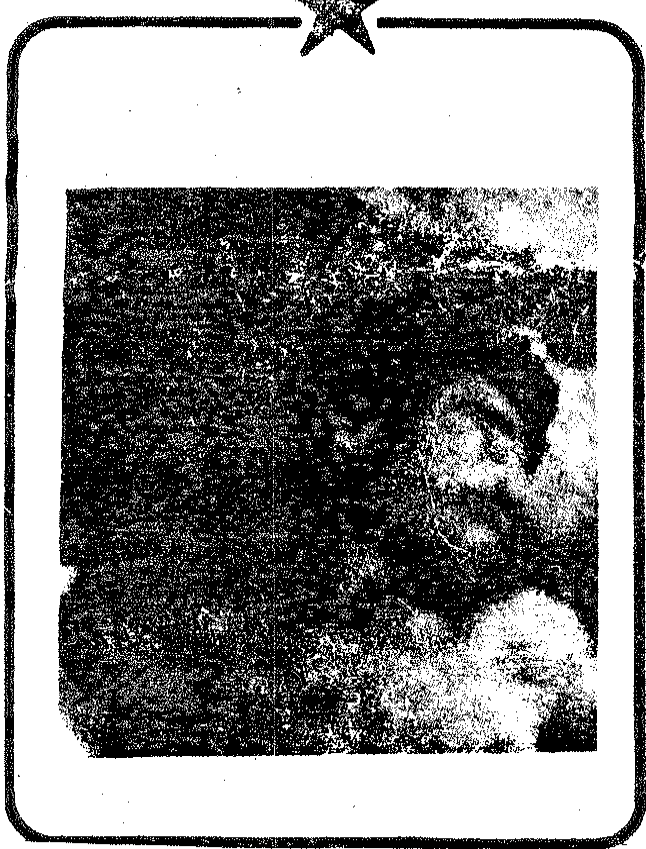
فدایی شهید رفیق طواق محمد واحدی



فدایی شهید رفیق عبدالحکیم مختوم



زخم چانه و کبودی سینه توماج نشان می دهد که در خیماں قبل از اعدام رفقا را شکنجه کرده اند.



فدایی شهید رفیق حسین جرجانی

رفیق حسین جرجانی در یک خانواده کشاورز به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در گنبد به تمام رساند و سپس مدرسه عالی کشاورزی همدان را به پایان رساند. رفیق از دوران کودکی بسا مظالم زمین داران بزرگ و ژاندارم های رژیم شاه آشنا شد.

رفیق حسین جرجانی عضو سازمان بود و فعالانه در استرداد زمین های غصب شده روستاهای ترکمن صحرا شرکت داشت. رفیق از جانب دهقانان به عضویت شورای روستای تاتار که از شوره های نمونه دهقانی است، درآمد. رفیق در شکل گیری اتحادیه منطقه تاتار علیا در مقابل زمین داران و عوامل آنها نقشی بسیار موثر داشت و خود نماینده اتحادیه تاتار علیا در اتحادیه سراسری شوراهای روستایی ترکمن صحرا بود. تلاش های رفیق حسین برای ارتقای آگاهی سیاسی و تشکل زحمتکشان بلوچ و زابلی و همگام ساختن آنان با زحمتکشان ترکمن نمونه ای از فعالیت های برجسته انقلابی است.

روحیه ای استوار و پولادین داشت و همواره تکرار می کرد کسی که به راه انقلاب وارد می شود نباید حسنگی را احساس کند. رفیق عبدالحکیم در دهقانان منطقه جای داشت و اگر در میان دهقانان اختلافی بروز می نمود، رفیق حلال اختلافات بود. رفیق در میان همه دهقانان از زابلی گرفته تا بلوچ و ترکمن از محبوبیتی عظیم برخوردار بود.

فدایی شهید رفیق طواق محمد واحدی

شهید فدایی خلق، طواق محمد واحدی در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده حقوق قضائی دانشگاه تهران شد. از بدو ورود به دانشگاه در حالیکه در حرکت های سیاسی ضد رژیم شرکت کرد و خصوصا در اعتصابات تاریخی شرکت و احداثش بسیار فعال و سازماندهی داشت. در سال ۱۳۵۰ در غیاب با فعالیت های سیاسی ضد دیکتاتوری بازداشت گردید و در تمام مدت زندان نمونه بارزی از مقاومت بود. بعد از آزادی زندان با پیگیری به ادامه فعالیت های سیاسی پیشین پرداخت. رفیق در دوره سرپازی نیز به بیرجند تبعید شد. در سال ۱۳۵۳ در دادگستری مشغول به کار شد و در تمام طول مدت اشتغال در دادگستری خصوصا با بالاگیری موج مبارزات ضد رژیم همیشه در کنار مردم علیه دیکتاتوری مبارزه کرد. در جریان سیل گنبد نیز محل خدمت خود را در بندر عباس رها کرد و به کمک برادران ترکمن به اغلب ویرانگری قاطع در مقابل ارتجاع منطقه حوض و زمینداران بزرگ در قلب مردم جای مجزا به شکلی که اکثریت قریب به اتفاق آراء به عضویت و سپس ریاست شورای شهر برگزیده شد. در طول چند ماه خدمت در این مقام با وجود اشکال تراش ها و مخالفت های مرتجعین و زمینداران بسط کرد و وابستگان رژیم سابق به شهادت مردم منطقه قدم های بلندی در جهت تحقق خواست های توده های مردم خصوصا در زمینه تاسیس شوراهای دهقانی و محلی برداشت که در سایه تشکیل این شوراها و تشکل و پیوند توده ها در آن سنگرهای ارتجاع زمینداران بزرگ به دست توده های متشکل کارگران و دهقانان و روشنفکران و زحمتکشان متعهد یکی بعد از دیگری سقوط کرد. دلاوری ها و قهرمانی های رفیق شهید طواق محمد واحدی به قدری در قلب توده ها ریشه داشت که از او در حیاتش اسطوره ساخته بودند.

فدایی شهید رفیق شیرمحمد درخشنده توماج

رفیق شهید شیرمحمد درخشنده توماج، عضو مسئول سازمان چریک های فدائی خلق ایران، در روستای یلمه سالیان، به دنیا آمد و تحصیلات خود را در رشته ادبیات و علوم انسانی به پایان رساند. رفیق از دوران کودکی شوق زیادی برای مبارزه در راه رهایی زحمتکشان در خود احساس می کرد. رفیق در رژیم سابق دیوانه بار اول به مدت ۶ ماه و بار دوم به مدت سه سال به زندان افتاد. پس از قیام، رفیق به عنوان مسئول روابط عمومی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا برگزیده شد. در ترکمن صحرا همه او را می شناختند. زمین داران و عوامل مزدور آنها همواره نقشه ترور وی را می ریختند. دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا این فرزند پرورند و فدائی خود را عمیقاً دوست می داشتند و به وجودش افتخار می کردند. عشق عظیمش به زحمتکشان گاه باعث می شد دو فرزندش مدت ها نتوانند پدر خویش را ببینند. توماج را دهقانان آنچنان نزدیک به حسود می دانستند که ساده ترین مسائل و مشکلات خانوادگی خود را نیز با او در میان می گذاشتند. حرف توماج برای دهقانان حجت بود. توماج زبان دهقانان ترکمن بود. او تجسم اراده خلق ترکمن بود.

فدایی شهید رفیق عبدالحکیم مختوم

رفیق شهید عبدالحکیم مختوم، عضو مسئول سازمان چریک های فدائی خلق ایران در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. پدرش کارگر ساده ای بود و مادرش نیز با قالیبافی به اقتصاد خانواده کمک می کرد و همیشه دارقالی در گوشه ای از خانه شان وجود داشت. رفیق در محیطی کارگری بزرگ شده بود و با درد و رنج کارگران در جامعه سرمایه داری عمیقاً آشنا بود. رفیق تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در دبستان و دبیرستان های گنبد به پایان رساند و با شغل معلمی راهی روستاهای اطراف گنبد شد تا هرچه بیشتر در میان زحمتکشان و دهقانان باشد و از این طریق بتواند به دهقانان زادگاه خود و به فرزندان آنها طریقه مبارزه با زمین داران بزرگ و سرمایه داران را آموزش دهد. او در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد. رفیق از بدو تاسیس کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت گسترده ای در این نهادهای انقلابی داشت. او